



تهدید مجلس؛

پاسخ زنگنه به استیضاح

وزیر نفت در جلسه کمیسیون انرژی نتوانست نمایندگان موافق استیضاحش درباره فساد کرستن را قانع کند



تیتراهای امروز

حساس ترین دیدار تاریخ فوتبال ایران امشب مقابل پر تغال

رؤیای یک صعود

باران رونالدو یا شاگردان کی‌روش؟! مساله این است



انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ترکیه روز گذشته برگزار شد

پیشتازی اردوغان

یادداشت‌های مهمان

عدالتخواهی بین‌المللی راهبرد جمهوری اسلامی در سیاست خارجی

دکتر عباسعلی گدخدایی\*



حضرت امام(ره) به مطالب مهمی که لازم است کارشناسان امر نسبت به تبیین آن اقدام کنند.

در حوزه سیاست خارجی یکی از «عدالتخواهی بین‌المللی» موضوعی بود که از سوی معظم‌له مطرح شد.<sup>(۱)</sup> جمهوری اسلامی از آغاز تشکیل بر اجرای عدالت در حوزه‌های داخلی و نیز حوزه خارجی تاکید داشته و این مهم در اصل دوم قانون اساسی با بیان اعتقاد به عدل مورد تاکید واقع شده است.<sup>(۲)</sup> لیکن در اصول دیگری نیز آنگاه که سیاست خارجی مطرح می‌شود، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری را ملاک قرار داده، سعادت تمام انسان‌ها را در نظر گرفته و بر حکومت حق و عدل به عنوان خواست مشروع مردمان مختلف تاکید می‌ورزد و به همین دلیل دفاع از حقوق مستضعفان را یکی از پایه‌های سیاست خارجی خود می‌داند.<sup>(۳)</sup>

آنچه بر فعالان و صاحب‌نظران این حوزه روشن است اینکه عدالت در عرصه نظام بین‌الملل متاع چندان قابل قبولی نیست، چرا که دولت‌ها همیشه به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند تا منافع جامعه بین‌الملل. از همین رو امکان اجرای عدالت نیز تابعی جهانی به حداقل می‌رسد. مخصوصاً اینکه همچنان به‌رغم تحولات زیاد در روابط بین دولت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی، زور و قدرت نقش اصلی را بازی می‌کند، با این توجیه که همراه کردن قدرت‌ها نیازمند دادن امتیاز بیشتر به آنهاست. بر همین نسق تصمیم‌گیری در عرصه‌های بین‌المللی نیز تابعی است از تأمین نظر قدرت‌ها و طبعاً فاصله گرفتن از معیارهای عدالت یا انصاف. لذا آنچه امروز به عنوان دستاورد نظام بین‌الملل خوانده می‌شود حفظ وضع موجود است تا تأمین عدالت. حتی شاهد بودیم در آغاز هزاره سوم، اصلاحات ساختاری پیشنهادی از سوی «کوفی عنان» دبیرکل وقت سازمان ملل متحد نتوانست رأی لازم را داشته باشد و در این عرصه در کمافی‌السابق بر همان پاشنه حفظ وضع موجود و برتری قدرت‌ها چرخ می‌زند. مثلاً به‌رغم اینکه اصل برابری دولت‌ها و نیز اصل حاکمیت دولت‌ها مورد شناسایی واقع شده و در منشور ملل متحد نیز بر آن تاکید شده<sup>(۴)</sup>، لیکن در عمل آنچه تعیین‌کننده است توان اقتصادی، سیاسی و یا نظامی دولت‌هاست که روابط بین آنها را تنظیم می‌کند.

تاکید رهبر معظم انقلاب در روز ۱۴ خرداد امسال بر ضرورت توسل به این امر یعنی عدالت بین‌المللی در عرصه‌های جهانی موضوع مهمی است که مورد درخواست اغلب مردم جوامع گوناگون است، لیکن به دلیل نقش پررنگ قدرت در تنظیم روابط بین دولت‌ها امکان اجرای کامل آن وجود ندارد.

بازدید رئیس‌جمهور از مجتمع تفریحی تله کابین توچال در روزهای سخت و نابسامان بازار، واکنش شدید افکار عمومی را در پی داشته است

اقتصاد توچال، روحانی توچال

ادامه رکوردشکنی روزانه قیمت ارز، سکه و کالاها؛ برگزاری جلسه غیرعلنی مجلس با موضوع گرانی‌ها

صفحات ۲ و ۳



گزارش «وطن امروز» از ابعاد پروژه سری سیا در افغانستان

یاران بغدادی یا سربازان آمریکایی؟!

تورریستی اخیر در کشور را با نام ولایت خراسان انجام می‌دهند. سفیر آمریکادر کابل ادعا کرده ساختار تشکیلاتی داعش در افغانستان را نیروهای پیشین طالبان و حرکت اسلامی ازبکستان تشکیل داده‌اند که این مسئله مجدداً گویای عدم انتقال عنصر مسلحی از شام و عراق به افغانستان است. همچنین وی مدعی عدم تسلیح این گروه‌ها از سوی آمریکا و سایر متحدان واشنگتن در افغانستان است. سفیر ایالات متحده در کابل در شرایطی که بخوبی از اقدامات واشنگتن و CIA در قبال انتقال و تسلیح داعش در افغانستان آگاه است اما مدعی است این عناصر از قبل مسلح بوده‌اند و هیچ‌گونه ارتباطی میان آمریکا با این هم مسؤولیت آمریکایی‌ها که سال‌هاست خاک افغانستان را به پهنانه تأمین امنیت اشغال کرده‌اند، از بین نمی‌رود. بویژه اینکه با حضور آمریکایی‌ها حتی تجارت مواد مخدر تا ۵۰ برابر افزایش یافته و بر اساس اسناد و یافته‌های فاش شده بخش اعظمی از هزینه‌های ارتش آمریکا در منطقه را تأمین می‌کند. این حالت امروز افغانستان بعد از سال‌ها نامنمی در گیری به سمت میزبانی ناخواسته از تروریست‌های جدیدی می‌رود که قرار است مأموریت‌های خود را در خاک این کشور پیگیری کنند.

نمونه اتفاقات رخ داده در همین مدت در افغانستان نشان می‌دهد داعش اولین مرحله از اقدامات و فعالیت‌های خود را بسا ایجاد نامنی در افغانستان شروع کرده و ممکن است انتقال و پیروس تکفیر به مناطق همجوار در مراحل بعدی فعالیت این گروه قرار داشته باشد. در تایید این ادعا می‌توان برای نمونه به گزارشی که نخستین‌بار از سوی اسپوتنیک منتشر شد اشاره داشت. طی یک عملیات انتحاری که اردیبهشت‌ماه سال گذشته در کابل رخ داد، دست‌کم ۲۶ تن کشته شدند که ۹ تن از آنها خبرنگار بودند. در شرایطی که سیستم امنیتی افغانستان در شوک چنین اقدامی به سر می‌برد، گروهک تروریستی داعش مسؤولیت علت واکنش رهبر معظم انقلاب به موضوع نامنی و اقدامات واشنگتن و داعش در افغانستان ابتدا باید به پروژه انتقال اشاره داشت تا در گزارش‌های بعدی یارهای دیگر این عملیات و چگونگی انشعاب در طالبان و همچنین بیعت پنهان برخی طالب‌های سنتی با داعش را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

کزارش «وطن امروز» از ابعاد پروژه سری سیا در افغانستان

یاران بغدادی یا سربازان آمریکایی؟!

تورریستی اخیر در کشور را با نام ولایت خراسان انجام می‌دهند. سفیر آمریکادر کابل ادعا کرده ساختار تشکیلاتی داعش در افغانستان را نیروهای پیشین طالبان و حرکت اسلامی ازبکستان تشکیل داده‌اند که این مسئله مجدداً گویای عدم انتقال عنصر مسلحی از شام و عراق به افغانستان است. همچنین وی مدعی عدم تسلیح این گروه‌ها از سوی آمریکا و سایر متحدان واشنگتن در افغانستان است. سفیر ایالات متحده در کابل در شرایطی که بخوبی از اقدامات واشنگتن و CIA در قبال انتقال و تسلیح داعش در افغانستان آگاه است اما مدعی است این عناصر از قبل مسلح بوده‌اند و هیچ‌گونه ارتباطی میان آمریکا با این هم مسؤولیت آمریکایی‌ها که سال‌هاست خاک افغانستان را به پهنانه تأمین امنیت اشغال کرده‌اند، از بین نمی‌رود. بویژه اینکه با حضور آمریکایی‌ها حتی تجارت مواد مخدر تا ۵۰ برابر افزایش یافته و بر اساس اسناد و یافته‌های فاش شده بخش اعظمی از هزینه‌های ارتش آمریکا در منطقه را تأمین می‌کند. این حالت امروز افغانستان بعد از سال‌ها نامنمی در گیری به سمت میزبانی ناخواسته از تروریست‌های جدیدی می‌رود که قرار است مأموریت‌های خود را در خاک این کشور پیگیری کنند.

نمونه اتفاقات رخ داده در همین مدت در افغانستان نشان می‌دهد داعش اولین مرحله از اقدامات و فعالیت‌های خود را بسا ایجاد نامنی در افغانستان شروع کرده و ممکن است انتقال و پیروس تکفیر به مناطق همجوار در مراحل بعدی فعالیت این گروه قرار داشته باشد. در تایید این ادعا می‌توان برای نمونه به گزارشی که نخستین‌بار از سوی اسپوتنیک منتشر شد اشاره داشت. طی یک عملیات انتحاری که اردیبهشت‌ماه سال گذشته در کابل رخ داد، دست‌کم ۲۶ تن کشته شدند که ۹ تن از آنها خبرنگار بودند. در شرایطی که سیستم امنیتی افغانستان در شوک چنین اقدامی به سر می‌برد، گروهک تروریستی داعش مسؤولیت علت واکنش رهبر معظم انقلاب به موضوع نامنی و اقدامات واشنگتن و داعش در افغانستان ابتدا باید به پروژه انتقال اشاره داشت تا در گزارش‌های بعدی یارهای دیگر این عملیات و چگونگی انشعاب در طالبان و همچنین بیعت پنهان برخی طالب‌های سنتی با داعش را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

گزارش امروز

ایخبار مرتبط با داعش و تروریسم تکفیری در غرب آسیا و بویژه منطقه شبه‌قاره که با توجه و تعداد بیشتری در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی در حال دست به دست شدن است، به‌روشنی می‌توان متوجه آغاز فاز دیگری از نامنی در کشورهای آسیای میانه و هم‌جوار با ایران شد. مساله‌ای که نه‌تنها اهداف مختلفی را برای آمریکا و متحدان واشنگتن دنبال می‌کند، بلکه انقدر از لحاظ امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه ویژه‌ای است که هشدار مقام معظم رهبری را نیز به دنبال داشته است.

در این میان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تهدید داعش در منطقه آسیای میانه و بویژه افغانستان موضوع شکست‌های مکرر این گروه تروریستی و آزادسازی مناطق اشغالی گسترده‌ای در عراق و سوریه است؛ مساله‌ای که باعث شد مدیران ارشد اژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده موضوع سرنوشت اعضا و کادر این گروهک در شام و عراق را در اولویت اقدامات خود قرار داده و با توجه به نفوذ ۱۶ ساله بعد از تجاوز سراسری به افغانستان و همچنین رابطه جغرافیایی افغان با گروه‌های بنیادگرای رادیکال که در کنار موقعیت استراتژیک این کشور در قبال ایران بر اهمیت این جغرافیا می‌افزاید، عملیات انتقال اعضا و کادر باقیمانده داعش را در دستور کار قرار دهند.

این در حالی است که برخی کارشناسان مسائل امنیتی معتقدند از دیگر علل اقدام سروسیس اطلاعاتی آمریکا جلوگیری از انهدام کامل شبکه تروریستی داعش در ادامه سلسله اقدامات مقاومت و همچنین ایجاد بستر و بهانه جدیدی برای ادامه تجاوزگری در افغانستان با هدف ایجاد تهدیدی دیگر برای فشار بر تهران است.

از سوی دیگر روشن نکردن تکلیف این گروه بعد از خروج از سوریه و عراق ممکن بود سرازیر شدن اعضای آن به سوی کشورهای اروپایی را در بر داشته باشد که البته این اتفاق تا حدی نیز رخ داد که در مس‌های زیادی در برخی کشورهای غربی ایجاد کرد. موضوعی که گزارش جامعه اطلاعاتی اروپا و رورپا را در پی داشت؛ گزارشی که در آن به صراحت به بازگشت صدها شهروند اروپایی عضو القاعده و داعش به قاره سبز بویژه بعد از تغییر آمایش سرزمینی در شام و عراق اشاره شده و آن را تهدیدی بالقول در جغرافیای اتحادیه به عنوان می‌کند. تهدیدی که اگر توان مدیریت و کنترل آن از دست سروسیس‌های اطلاعاتی اروپا و نیروی پلیس در کنار ابزار بازدارنده کشورهای قاره سبز خارج شود، شاید بشون گفت می‌تواند بر همه شاخص‌های حیات شهروندان این قاره و دولت‌های اروپایی اثر منفی غیر قابل پیش‌بینی بگذارد و تا جایی ادامه پیدا کند

یادداشت امروز

برای خاطر خدا، ملت و خودتان

زین را رها کنید!

حسن فرایی

چنانکه یاد می‌آید، سال ۹۲ نخستین‌بار در صف ناوایی محل و از تلویزیون ناوایی، خبر پیروزی حسن روحانی در انتخابات را شنیدم. باز تا جایی که به یاد دارم، در جمع آقایان و خانم‌های حاضر در صف، فقط این من بودم که با لبخندی کوچک به این خبر واکنش نشان دادم! درصد مشارکت شهر ما-کاشمر- در انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال ۸۹ درصد بود. رقمی که بعید می‌دانم هیچ شهری در دموکراسی‌های غربی، به خواب دیده باشد یا از این پس هم قصد داشته باشد ببیند! حتما شما تصدیق می‌کنید: اگر آن ظهر گرم خرداد ۹۲، ما در سال‌هایی چون ۰۷۶، ۸۰، ۸۴ یا ۸۸ و حتی ۶۸ و ۷۲ بودیم، اوضاع صف ناوایی پس از اعلام چنان خبر مهمی به کلی زیر و رو می‌شد! دولت تدبیر و امید اما از همان زمانی که با آن، «کلید» معروفش پدیدار شد، هرگز نتوانست موج اجتماعی قابل توجهی ایجاد کند. روحانی انگار آمده بود تا فقط آمده باشد؛ همین! دولت حسن روحانی، معمولی بود، خیلی معمولی! معادل چنین جمله‌ای در ادبیات را، در جامعه‌شناسی، «بی‌گفتن بودن دولت‌ها» می‌نامند. روحانی اما گویی دوست نداشت معمولی به‌نظر برسد. همکاران او در حزب اعتدال و توسعه که حالا کم‌کم بر مناصب بزرگی تکیه می‌زدند، از همان روزها بنا کردند به تعریف و تشریح گفتن اعتدال! پس از آن تا همین اکنون هم، همایش‌ها و برنامه‌های متعددی برای پاسداشت، تفتیح، تعریف، تمجید و خلاصه! ترویج چنین پنداری با بودجه دولتی برگزار شده است! وضعیت در کف جامعه اما همچنان بلا تغییر است، بلکه به مراتب، وخیم‌تر شده است. چنانکه احساس می‌کنم اگر ظهر همین امروز من دوباره به همان ناوایی بروم و حسن روحانی دوباره در انتخابات پیروز شود، این بار دیگر من هم حال واکنش نشان دادن نخواهم داشت!

روحانی آردش را بیخته و الکش را آویخته است. دولت حالا به سواری می‌ماند که از اسب افتاده ولی همچنان زین را رها نمی‌کند. چنین وضعیتی، وری اینکه دولت معمولی روحانی را نامحورتر می‌کند، صورت منافع ملی را نیز با روی زمین کشیده شدن، بیشتر و بیشتر خراش خواهد داد. دولت باید زین را رها کند تا ما بیش از این روی خار و خاشاک مسیر برجام کشیده نشویم و زخم‌های‌مان عمیق‌تر نشود! این عبارت که حالا کم کم رنگ کلیشه می‌گیرد اینجا به‌در می‌خورد که: یک پیمان تلخ، بهتر از یک تلخی بی‌پایان است. مردم از همان ابتدا درک واهی از شوق‌های غمناک روحانی و عده می‌دادند؛ نداشتند؛ جامعه آستان تردید بود در مواجهه با روحانی و کلید معروفش، لذا در پیروزی‌اش هم موجی ایجاد نشد و شوقی غلیان نکرد.

من، شاطر و مشتری‌های آن ناوایی کذایی اما از آن زمان تاکنون، حسن روحانی را همچنان به حکم شرع و قانون، نماینده خود دانسته‌ام و هنوز هم می‌دانیم، این حمایت اما بلاشرط نیست و هرگز نبوده است و طبیعتاً روحانی و همکارانش باید در دنیا و عقبی بابت آن به مردم پاسخگو باشند! روحانی در حال آن‌که شالی که می‌بیند مهم‌ترین حامیان تکرارچی‌اش هم دیگر تن به حمایت از او نمی‌دهند، بالاخره باید تیرانداختن با کمان بدون تیر را رها کند! ایده «کلید» روحانی از همان ابتدا هم پوک و مشکوک بود. حالا اما این پوک بودن عیان شده است، لذا راه درست این نیست که جناب عراقچی و دوستانش باز هم بخواهند از آن اسب سرکش که آنها را به زمین کوبیده، تعریف و تمجید کنند! اقتصاد را هم نمی‌توان با چنان رویاهای وهم‌آلودی از وضعیت فعلی نجات داد.

حسن روحانی هر سال به ما می‌گفت سال آینده، سال رونق اقتصادی خواهد بود، غافل از اینکه یگانه راه رونق اقتصادی، دست برداشتن او از افکار اشتباهش بوده است! رویکردهای اقتصادی دولت به بدترین شکل، شکست خورده است. بازگشت به دستوری‌ترین نوع مدیریت در اقتصاد با ابلاغ دلار تک‌نرخ، فارغ از درست یا غلط بودن آن، ایسن پیام را دارد که دولت دیگر نظام بازار آزاد را هم که تمام مبنای اقتصادی‌اش روی آن سوار است زیر پا گذاشته است.